يا ايها الناس اتقوا ربكم ان زلزلة الساعة شيء عظيم
درین ایام برکت نشان که سال یکهزار و دو صد و نود و یک از هجرت نبوی است بعون خالق کون کتاب مستطاب مسمی به
آثار القیامة فی حجج الکرامة
بعهد دولت و سعادت مهد جناب نواب شاهجهان بیگم صاحبه والیه عالیه ریاست بهوپال دام اقبالها باهتمام راجی غفران محمد عبد المجید خان
در مطبع شاهجهانی واقع بلدهٔ بهوپال بحلیهٔ انطباع ملبوس شد

تا تمام الف انتهی چنین آمده اورا بکشد گویم این تاریخ هم از قبیل مکاشفه تواریخ ظهور مهدیست وحالہ کحالہ و یعقوب بن اسحق کندی گفته حروف عربیه غیر معجمیه یعنی مفاتح سور قران جمله عدد شش هفتصد و چهل و سه سال میشود هفت سال ازان جا رهست باز در وقت نماز عصر فرود آید و دنیا درست شود و گوسفند با گرگ مماشاة کنند بعده باقی ماند ملک عجم بعد اسلام ایشان با عیسی علیه السلام یکصد و شصت سال بعدد حروف معجم که ق ی ن باشد و دولت عدل منجمله آن چهل سال ست انتهی و ابن ابی واطیل گفته نزول عیسی یکون فی وقت صلوة العصر من الیوم المحمدی حین تمضی ثلاثة ارباعه انتهی وکندی در کتاب جفر که دران ذکر قرانات کرده گفته که چون قران تا ثور بر راس حضیض رسد مراد شش صد و نود و هشت سال از هجرت ست چه ضاد نزد مغاربه شش صد باشد و صاد شصت قائم نصر عیسی علیه السلام نزول فرماید و حکم کند میان زمین با دامیکه خدا خواهد گویم این تاریخ با زیادت سنین کثیره بران گذشته و عیسی نزول ننموده پس این کشف صحیح نیفتاده بعده گفته که در حدیث آمده ینزل عند المنارة البیضاء شرقی دمشق بین مهرودتین یعنی حلتین مزعفرتین صفراوتین ممصرتین واضعا کفیه علی اجنحة الملکین له لمة کانما خرج من دیماس اذا طاطأ راسه قطر واذا رفعه تحدر منه جمان کاللؤلؤ کثیر خیلان الوجه و در حدیث دیگر ست مرفوع عامر بوع الخلق والی البیاض والحمرة وفی آخرانه یتزوج فی الغرب الغرب لوالبادیة یرید انه یتزوج منها وتلد زوجته انتهی گویم این احادیث در بیان حلیه جلیه وی علیه السلام گذشته لیکن دران لفظ کثیر خیلان الوجه نیست یعنی بر روی مبارک وی خالهای بسیار باشد و همچنین ذکر تزوج در غرب نیامده و امامدت وی پس نزد طبرانی و ابن عساکر از ابوهریره مروی ست که فرمود آنحضرت صلعم ینزل عیسی بن مریم فیمکث فی الارض اربعین سنة یعنی چهل سال در زمین بماند و نزد ابن ابی شیبه واحمد وابی داؤد و ابن جریر و ابن حبان از ابوهریره آمده که انه یمکث اربعین سنة ثم یتوفی و یصلی علیه المسلمون و یدفنونه عند نبینا صلعم یعنی بعده وفات یابد و مسلمانان بروی نماز گذارند و نزد رسول خدا صلعم دفن نمایند و عایشه گفته که گفت رسول خدا صلعم ینزل عیسی بن مریم فیقتل الدجال ثم یمکث عیسی فی الارض اربعین سنة اماما عدلا و حکما مقسطا اخرجه ابن ابی شیبه واحمد وابو یعلی و ابن عساکر و هم احمد در زهد از ابوهریره روایت کرده که گفت یلبث عیسی بن مریم فی الارض اربعین سنة لو یقول للبطحاء سیلی عسلا لسالت و در روایتی چهل و پنج سال آمده و قلیل منافی کثیر نیست و شاید که روایت اربعین بالغاء کسر وارد شده و در روایتی نزد مسلم از ابن عمرو هفت سال آمده و در روایت ابن عباس نزد نعیم بن حماد نوزده سال آمده و بعضی جمع کرده اند باینطور که وی وقت رفع بر آسمان سی و سه ساله بود و نازل شود و در هفت سال پس این چهل سال شد و چون قلیل منافات ندارد با کثیر حاجت این جمع نیست گویم رفع او بعمر سی و سه سالہ زعم نصاری ست چنانکه وهب بن منبه گفته و ثابت در احادیث نبویه رفع او بعمر یکصد و بست سال ست چنانکه طبرانی و حاکم در مستدرک از عایشه آورده اند که قال فی مرضه الذی توفی فیه لفاطمة ان جبریل کان یعارضنی القران فی کل عام مرة وانه عارضنی بالقران العام مرتین و اخبرنی انه لم یکن نبی الا عاش نصف الذی قبله و اخبرنی ان عیسی بن مریم عاش عشرین و مائة سنة ولا ارانی الا ذاهبا علی راس الستین رجاله ثقات و له طرق و تمام بحث در مدت لبث وی در مجموعه

[illegible]

از ابوہریرہ آوردہ کہ فرمود رسول خدا صلعم ینزل عیسی بن مریم فیقتل الخنزیر ویمحی الصلیب وتجمع له الصلوة ویعطی المال حتی لا یقبل
ویضع الخراج وینزل الروحاء فیحج منها او یعتمر او یجمعهما یعنی جمع کردہ شود او را نماز و فرود آید بموضع روحا و از انجا حج کند یا عمرہ
یا ہر دو کند و ترجمہ بقیہ الفاظ حدیث مکرر گذشتہ و در روایتی نزد مسلم و ابن ابی شیبہ از وے آمدہ لیہلن عیسی بن مریم
بفج الروحاء بالحج او العمرة او لیثنینهما جمیعا یعنی اہلال کند عیسی از راہ روحا برای حج یا عمرہ یا ہر دو کند فج بمعنی طریق ست
و روحا مکانی ست ما بین مدینہ طیبہ و وادی صفراء در راہ مکہ مکرمہ و ہم از وی حاکم و صححه و ابن عساکر روایت کردہ اند
لیہبطن ابن مریم حکما عدلا و اماما مقسطا ولیسلکن فجا حاجا او معتمرا ولیاتین قبری حتی یسلم علی ولاردن علیه علی قاری می گفتہ قوله
لاردن ای ظاهرا والا فهو صلعم یرد علی من یسلم باطنا کما فی حدیث ما من احد یسلم علی الا رد الله علی روحی حتی ارد علیه فیفید الحدیث
الشریف بتخصیص عیسی بهذا المنصب المنیف فمن ادعی هذا المعنی المبنی علی کمال الغنا من غیره من العلماء او المشائخ الکبراء فعلیه بالبیان
انتهی گویم لفظ حدیث ہرگز افادہ ظاہر نمیکند مجرد وہم ست و در سلام ظاہر و جواب باطن کدام منفعت نیست کہ ضرورت این
احتمال باشد والله اعلم ابوہریرہ گفتہ ای پسران برادر من اگر ببینید شما او را یعنی عیسی علیه السلام را بگوئید کہ ابوہریرہ شما را
سلام میخواند و نیز حاکم از انس آوردہ کہ فرمود رسول خدا صلعم من ادرک منکم عیسی بن مریم فلیقرءه منی السلام و ابوہریرہ گفتہ
فرمود رسول خدا صلعم انی لارجو ان طال بی عمر ان القی عیسی بن مریم فان عجل بی موت فمن لقیه منکم فلیقرءه منی السلام اخرجه
مسلم و احمد باسناد این رجالها رجال الصحیح علی قاری در شرح ردی گفتہ فیه تنبیه نبیه علی ان الاجمال کاف فی العقائد وانه
ینبغی للمرء ان یتمنی رؤیة الانبیاء والاصفیاء لما ترتب علیها من الفوائد وانه یتعین علی من ادرک عیسی علیه السلام ان یبلغه سلام
نبینا علیه التحیة والاکرام انتهی گویم در حدیث دیگر از ابوہریرہ مرفوعا آمدہ یوشک المسیح ابن مریم ان ینزل حکما مقسطا فیقتل
الخنزیر ویکسر الصلیب وتکون الدعوة واحدة فاقرؤه من رسول الله صلعم فلما حضرته الوفاة قال اقرؤه عنی السلام اخرجه
احمد باسناد فیه کثیر بن زید وثقه احمد وجماعة وضعفه النسائی وغیره وبقیة رجاله رجال الصحیح وبعضه فی الصحیح کذا فی التوضیح
للشوکانی رح گویم این بندہ حرص تمام دارد کہ اگر زمانہ حضرت روح الله سلام الله علیه را دریابم اول کسیکہ ابلاغ سلام نبوی کند
من باشم و اگر من ندریابم ہر کہ از اولاد و اخلاف من دریابد حرص تمام کند بر خواندن این سلام و ہم سلام این دور افتادہ
بدل نزدیک آنجناب علیه السلام برساند و پیشتر کلام در این سلام سنت الاسلام بر وجه اتمام گذشتہ انجا کہ قول طاوس
شاگرد ابن عباس رح تمنای او بادراک زمانہ مہدی علیه السلام ذکر کردہ ایم و بالله التوفیق آنجا ہمدوش رح چار طاوس تابعی
شدیم اینجا ہم آغوش تمنای ابوہریرہ صحابی گردیدیم ع یارب این آرزوی من چہ خوش ست * تو بدین آرزو مرا برسان
و بالجملہ وارد شدہ کہ وی تزوج کند بعد نزول او و را اولاد شود باز بمیرد بمدینہ و شاید این موت او و تزوج و زیارت
رسول خدا ہمہ [illegible] شدہ و رفتہ او در بیت المقدس خواہد بود عبد الله بن سلام گفتہ مکتوب ست در توراة صفة محمد صلعم
و این کہ عیسی بن مریم مدفون شود با وی اخرجه الترمذی و حسنه ابن عساکر و بخاری در تاریخ خود و طبرانی و ابن عساکر
از ابن سلام آوردہ اند کہ یدفن عیسی بن مریم مع رسول الله صلعم و صاحبیه فیکون قبره رابعا و بقاعی در سر الروح ذکر کردہ
کہ ابن المراعی در تاریخ مدینہ و ابن جوزی در منتظم از عبد الله بن عمر مرفوعا آوردہ اند کہ ینزل عیسی بن مریم الی الارض